

تجزیه تحلیل حقوقی موافقتنامه

۱+۵ با جمهوری اسلامی

(قسمت ۱ + قسمت ۲)

امیرفیض- حقوقدان

نظربه اینکه این تحریر مایل است به کیفیتی تنظیم شود که اگر احتمالاً مورد استفاده پژوهندگان قرارگرفت مسیرساده و روشن داشته باشد لذا ناچاراست متنی که بعنوان توافق اتمی با ایران ازسوی کاخ سفید واشنگتن انتشاریافته فصل بندی و شماره گذاری شود که تطبیق تجزیه تحلیل با موارد موافقت نامه، به آسانی و سهولت در دسترس خوانندگان این تحریر قرارگیرد.

متن توافق اتمی با ایران که بوسیله کاخ سفید در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳ (دوم آذر ۱۳۹۲ = ۲۵۵۲) در پایگاه اینترنتی کاخ سفید منتشر شده است و مورد نقد این تحریر میباشد.

متن توافق اتمی

فصل اول - گام نخست توافق ها در رابطه با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران:

۱- گروه ۱+۵ (ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین به کمک اتحادیه اروپا در مذاکرات جدی و اساسی با ایران باهدف رسیدن به راه حلی دیپلماتیک و قابل راستی آزمائی که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود شرکت داشته اند.

۲- پریزیدنت اوباما باصراحت گفته است که دستیابی به راه حلی صلح آمیزکه ایران را از رسیدن به بمب هسته ای بازدارد به نفع منافع ملی آمریکاست. امروز ایران وگروه ۱+۵ به مجموعه ای از درک های اولیه رسیده اند که پیشرفت برنامه هسته ای ایران را متوقف میکند و آن را از نظر جنبه های کلیدی به عقب میراند، این ها اولین محدودیت های معناداری است که ایران پس از نزدیک به یک دهه در زمینه برنامه هستی اش پذیرفته است.

۳- گام ششمه اولیه شامل محدودیت هائی قابل توجه برای برنامه هسته ای ایران است و به مهمترین نگرانی های ما از جمله در زمینه تولید غنی سازی ایران، ذخائر اورانیوم غنی شده، تعداد و توانائی های سانتریفوز هایش، توانائی ایران برای تولید پلوتونیوم در سطح تسلیحاتی با استفاده از راکتور اراک میپردازد. مصالحه هائی که ایران بر اساس آن متعهد شده است بعنوان بخشی از گام اولیه انجام دهد، شفافیت بیشتر و نظارت های سرزده تر برنامه هسته ای اش را در اختیار ما قرار میدهد.

در گذشته این نگرانی مطرح شده بود که ایران از مذاکرات برای خرید زمان بمنظور پیش برد برنامه هسته ای اش استفاده خواهد کرد. این اقدامات در فاز نخست اگر بایکدیگر اتخاذ شود کمک میکند که ایران نتواند

ازپوشش مذاکره برای تداوم پیشبرد برنامه هستی اش درطول مذاکراه با ما درباره راه حل دراز مدت وجامعی که همه نگرانی های جامعه بین المللی رابطرف کند انجام میدهم استفاده کند.

۴- درازای آن وبه عنوان بخشی ازاین گام اولیه گروه ۱+۵ لغو تحریم های محدود، موقت، هدفمند و بازگشت پذیری رابه ایران ارایه میکند. ساختار لغو این تحریم ها طوری است که بخش اعظم رژیم تحریم ها ازجمله ساختار تحریم های کلیدی نفت، بانکداری و مالی جای خود باقی میماند. گروه ۱+۵ اعمال شدید این تحریم هارا ادامه خواهد داد، اگرایران به تعهداتش عمل نکند ما لغو تحریم های محدود را لغو خواهیم کرد و تحریم های اضافی برآن اعمال میکنیم.

۵- گروه ۱+۵ وایران علاوه براین درباره پارامترهای کلی راه حلی جامع گفتگو کردند که برنامه هسته ای ایران را در دراز مدت محدود کند، تضمین های قابل راستی آزمایی مبنی برماهیت منحصرالصح آمیز فعالیت هسته ای ایران به جامعه بین المللی ارایه کند واطمینان حاصل کند که هرگونه تلاشی ازجانب ایران برای دنبال کردن سلاح هسته ای بلافاصله تشخیص داده خواهد شد.

۶- مجموعه درکها علاوه براین شامل ادعای ایران به این است که باید به همه قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل وهمینطور مسائل گذشته وحال مربوط به برنامه هسته ای ایران که توسط آژانس بین المللی اتمی مشخص شده است بپردازد. این شامل حل پرسش های مربوطه به ابعاد نظامی احتمالی دربرنامه هسته ای ایران ازجمله فعالیت های ایران درپارچین است.

۷- به عنوان بخشی ازیک راه حل جامع، ایران علاوه براین کاملا به وظایفش تحت معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای (ان پی تی NPT) ووظایفش رادرقبال آژانس عمل کند. **تازمانی که همه چیز درزمینه یک راه حل جامع مورد توافق قرارنگیرد توافقی صورت نخواهد گرفت** به طور خلاصه این گام اولیه تاشش ماه اعتباردارد و وضعیت نهائی قابل پذیرشی برای آمریکا یاشرکای ما درگروه ۱+۵ به حساب نمیاید

فصل دوم – ممانعت ازپیشرفت برنامه هسته ای ایران وبازگشت به عناصر کلیدی

- ۱- ایران متعهد شده است که غنی سازی بالاتراز پنج (۵) درصد رامتوقف کند وارتباطات فنی لازم برای غنی سازی بالای ۵ درصد رابرجیند.
- ۲- ایران تعهد کرده است که همه ذخایراورانیوم غنی شده تانزدیک به ۲۰ درصد خودراپیش ازپایان رسیدن فازاولیه به زیر پنج (۵) درصد تضعیف کند ویابه شکلی تبدیل کند که برای غنی سازی بیشتر مناسب نباشد.

فصل سوم – تعهد ایران درتوقف پیشرفت غنی سازی

- ۱- ایران متعهد شده که پیشرفت درغنی سازی اش را متوقف کند.
- ۲- هیچگونه سانتریفوژی ازهرنوع نصب نکند.
- ۳- هیچگونه سانتریفوژ نسل بعدی را برای غنی سازی اورانیوم نصب نکرده یا از آن استفاده نکند
- ۴- تقریبا نیمی ازسانتریفوژهای نصب شده درنطنز وسه چهارم سانتریفوژهای نصب شده در فردو را از کار بیاندازد به گونه ای که نتوان از آن ها برای غنی سازی اورانیوم استفاده کرد.

- ۵- تولید سانتریفوژ خود را به تعدادی که برای تعویض ماشین های از کار افتاده لازم است محدود کند به گونه ای که ایران نتواند از این شش ماه برای جمع آوری سانتریفوژها استفاده کند.
- ۶- دست به ساخت تاسیسات غنی سازی دیگری نزند.^۱

فصل چهارم - تعهد ایران در توقف افزایش ذخیره اورانیوم ۳/۵ درصدی

- ۱- ایران متعهد شده است که ذخائر اورانیوم با غنای پائین ۳/۵ درصد خود را افزایش ندهد به گونه ای که میزان آن در پایان شش ماه نسبت به آنچه در آغاز این مدت زمانی داشته بیشتر نشود و هرگونه اورانیوم ۳/۵ درصدی را که به تازگی غنی سازی شده به اکسید تبدیل کند.

فصل پنجم - توقف در پیشرفت در فعالیت تاسیسات اراک

- ۱- ایران متعهد شده است که فعالیت هایش در اراک را بیش از این پیش نبرد و پیشرفت در زمینه پلوتونیوم را متوقف کند.
- ۲- ایران متعهد شده است که راکتور اراک را راه اندازی و سوختگذاری نکند و تولید سوخت برای اراک را متوقف کند. سوخت راکتور اراک را بیشتر از این آزمایش نکند. هیچیک از قطعات اضافی راکتور اراک را نصب نکند. سوخت و آب سنگین رابه سایت راکتور منتقل نکند. تاسیساتی که قابلیت بازفرآوری داشته باشد رانسازد - ایران بدون بارفرآوری نمیتواند پلوتونیوم را از سوخت مصرف شده جدا کند.^۲

فصل ششم - شفاف سازی بی سابقه و نظارت سرزده بر برنامه هسته ای ایران

ایران متعهد شده است:

- ۱- دسترسی روزانه به نظنز و فردو را در اختیار بازرسان آژانس قرار دهد. این دسترسی روزانه به بازرسان اجازه میدهد که تصاویر دوربین های امنیتی را بررسی کنند تا از نظارت جامع مطمئن شوند. این دسترسی اجازه شفافیت بیشتر در زمینه غنی سازی را در این سایت ها میدهد و زمان تشخیص هرگونه خود داری از پایبندی از تعهدات را کوتاه تر میکند.
- ۲- دسترسی به تاسیسات مجموعه سانتریفوژها را برای آژانس فراهم کند.
- ۳- دسترسی به معادن و کارخانه های تولید اورانیوم را برای آژانس فراهم کند.
- ۴- دسترسی به اطلاعات طراحی راکتور اراک را که از مدت های پیش خواستاران بودیم، فراهم کند این اقدام اطلاعات بسیار مهمی را درباره این راکتور که پیش از این در دسترس قرار نداشت ارایه میکند.
- ۵- دسترسی سریع و بیشتر به راکتور اراک را برای بازرسان فراهم کند.

۱ - این بند ها اگر طوری سرایت داده شود که پس از شش ماه هم معتبر باشد ایران برای همیشه از حقوق مسلم خود که در ان پی تی و در مقررات آژانس بین المللی اتمی که عضویت آنرا دارد (برخلاف اسرائیل که متعهد نیست و عضویت ندارد) در منطقه محروم می شود. ح-ک
۲ - راکتور آب سنگین اراک گویا توسط آلمانی ها (زیمنس) ساخته میشود و پول آنرا آلمان دریافت داشته و این ماده از (تحویل نامه) راکتور را به یک وسیله اسقاط که در کنار بیابان رها شده باشد مبدل خواهد کرد. ح-ک

۶- برخی داده ها و اطلاعات کلیدی که در پروتکل الحاقی توافق نامه پادمانی آژانس انرژی اتمی وکد اصلاح شده ۳/۱ به آن اشاره شده را ارایه کند.

فصل هفتم - مکانیسم راستی آزمایی

- ۱- از آژانس بین المللی انرژی اتمی خواسته میشود که بسیاری از این گام های راستی آزمایی را که در راستای این نقش سازمان در زمینه بازرسی ها در ایران است انجام دهد. علاوه بر این، گروه ۱+۵ و ایران نسبت به تشکیل کمیسیونی مشترک برای همکاری با آژانس به منظور نظارت بر اجرا و حل مسائلی که ممکن است پیش آید متعهد شده اند.
- ۲- این کمیسیون مشترک علاوه بر این برای تسهیل رفع نگرانی های حال و گذشته در زمینه برنامه هسته ای ایران از جمله ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته ای ایران و فعالیت های ایران در پارچین، با آژانس کار میکند.

فصل هشتم - لغو محدود، موقت و بارگشت پذیر تحریم ها

- ۱- درازای این گام ها، گروه ۱+۵ لغو تحریم های محدود، موقت، هدفمند و بازگشت پذیری را ارایه میکند و ما همزمان بخش اعظم تحریم های خود؛ از جمله ساختار تحریم های نفتی، مالی، و بانکداری را حفظ میکنیم. اگر ایران به تعهداتش عمل نکند لغو تحریم هارا لغو میکنیم. گروه ۱+۵ بطور مشخص متعهد شده است که:
- ۲- به مدت شش ماه، اگر ایران به تعهداتش تحت این توافق عمل کند تاجائی که سیستم های سیاسی شان امکان پذیر باشد، تحریم های هسته ای جدیدی را اعمال نکند.
- ۳- برخی تحریم ها در زمینه طلا و فلزات گرانبها، بخش خودروسازی ایران و صادرات پتروشیمی ایران رابه حالت تعلیق در آورد و احتمالاً حدود ۱/۵ میلیارد دلار در اختیار ایران قرار دهد.
- ۴- مجوز بازرسی ها و تعمیرات مرتبط با ایمنی در داخل ایران را برای خطوط معین هوایی بدهد.
- ۵- اجازه دهد که خرید نفت ایران در سطح فعلی که به نحو قابل توجهی کاهش یافته یعنی ۶۰ درصد کمتر از دو سال پیش باقی بماند.
- ۶- در مدتی که ایران به تعهداتش عمل میکند ۴/۲ میلیارد دلار از این فروشها اجازه پیدا میکند در اقساط به ایران انتقال یابد.
- ۷- اجازه دهد که ۴۰۰ میلیون دلار بصورت کمک های تحصیلی دولتی از صندوق های ایرانی محدودی، مستقیماً به موسسات آموزشی شناخته شده در کشورهای ثالث انتقال یابد تا هزینه های تحصیلی دانشجویان ایرانی پرداخت شود.

فصل نهم - تعاملات انسان دوستانه

تعاملات انسان دوستانه که طبق قانون آمریکا اجازه آن داده شده راتسهیل بخشد. تعاملات انسان دوستانه با صراحت از تحریم های کنگره مستثنی شده اند تا این کانال، دسترسی به هیچگونه منبع جدید درآمدی در اختیار ایران قرار ندهد. تعاملات انسان دوستانه مربوط به خرید غذا، کالاهای کشاورزی، دارو و ابزارآلات

پزشکی توسط ایران است. ما علاوه بر این، معاملات مربوط به هزینه های پزشکی راکه در خارج انجام شده را تسهیل میکنیم. مابین کانال رابرای نفع رسانی به مردم ایران در نظر گرفته ایم.^۳

فصل دهم - در نظر گرفتن لغو تحریم ها

- ۱- بطور کلی حدود ۷ میلیارد دلار حاصل از لغو تحریم ها، بخش کوچکی از هزینه هائی است که ایران در مدت زمان این فاز اولیه تحت تحریم هائی که در جای خود باقی خواهد ماند دریافت خواهد کرد. دسترسی به بخش اعظم دارائی های خارجی ایران که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است، بواسطه تحریم ها امکان پذیر نیست یا محدود است.
- ۲- در شش ماه آینده فروش نفت خام ایران نمیتواند افزایش یابد. تحریم های نفتی به تنهائی در مقایسه با آنچه ایران در یک دوره ۶ ماهه در سال ۲۰۱۱ یعنی پیش از اجرائی شدن این تحریم ها بدست آورده باعث ازدست رفتن حدود ۳۰ میلیارد در آمد توسط ایران میشود که حدود ۵ میلیارد دلار در ماه است. اگرچه ایران اجازه دسترسی به ۴/۲ میلیارد دلار از در آمد های نفتی اش را خواهد داشت، حدود ۱۵ میلیارد دلار از درآمدهایش در طول این مدت به حساب های مسدود شده اش در خارج از کشور ریخته خواهد شد به طور خلاصه ما انتظار داریم که تحت مفاد این توافق موجودی پول ایران در حسابهای مسدود شده در خارج از کشور افزایش یابد نه کاهش.^۴

فصل یازدهم - ادامه فشار اقتصادی بر ایران و حفظ ساختار تحریم ها

- ۱- در طول فاز اول، ما به اعمال شدید تحریم های مان علیه ایران از جمله اتخاذ اقدامات علیه کسانی که سعی میکنند تحریم هارادور بزنند ادامه خواهیم داد.
- ۲- تحریم فروش نفت خام همچنان بردولت ایران فشار خواهد آورد. مادر همکاری باشركای بین المللی مان فروش نفت ایران را از ۲/۵ میلیون بشکه در روز در اوایل سال ۲۰۱۲ به یک میلیون بشکه در روز در مرحله کنونی رسانده ایم وتوانائی فروش نفت را تقریباً ۱/۵ بشکه در روز از ایران گرفته ایم یعنی از دست رفتن بیش از ۸۰ میلیارد دلار از اوایل سال ۲۰۱۲، امری که ایران هرگز نمیتواند آنرا جبران کند. تحت این گام اولیه، ممنوعیت فروش نفت خام به اتحادیه اروپا در جای خود باقی خواهد ماند وفروش نفت ایران به حدود یک میلیون بشکه در روز محدود خواهد شد امری که موجب میشود ایران در هر ماه ۴ میلیارد دلار ضرر کند.
- ۳- تحریم های صادرات کالاهای نفتی به ایران که باعث ازدست رفتن میلیارد دلار درآمد نفت ایران شده در جای خود باقی خواهد ماند.
- ۴- بخش اعظم حدود ۱۰۰ میلیارد دلار دارائی خارجی ایران، طبق تحریم ها همچنان خارج از دسترس یا محدود باقی خواهد ماند.
- ۵- بخشهای مهم دیگر نظام تحریمی ما در جای خود باقی میماند از جمله:

^۳ - حق هر شرکت خصوصی ویا دولتی یا خود دولت ها است تا هر نوع معامله وقرارداد تجاری را در داخل یا بیرون کشورش انجام بدهد. این ماده توهین آمیز بوده وحق بین المللی کشوروملتی را به او بصورت منت گذاشتن تفویض کرده است. ح-ک

^۴ - این ماده بسیار تحمیلی و در منطقه به نفع صادرات نفت عراق که آمریکا در آنجا شریک شده است، عربستان سعودی و دیگر عرب های منطقه خلیج پارس است، و به شیوه ای استعمارگرانه افزایش به پول های بلوکه شده. از پولهای بلوکه شده لیبی تنها مختصری بابت حقوق و دستمزد شورشیان پرداخت شد وبقیه در حساب های مسدود باقی ماند.... ح-ک

- ۱/۵- تحریم ها علیه بانک مرکزی ایران و حدود ۲۴ بانک موسسه مالی دیگر ایران.
- ۲/۵- تحریم های ثانویه به پیروی از تحریم های جامع ایران که طبق قوانین علیه بانکها اعمال میشود که با افراد و موسسات تحریم شده توسط آمریکا تعامل دارند.
- ۳/۵- تحریم کسانی که دامنه گسترده ای از دیگر خدمات مالی مانند انواع مختلف بیمه رابه ایران ارائه میکنند.
- ۴/۵- دسترسی محدود به سیستم مالی آمریکا.
- ۵/۵- همه تحریم های مربوط به ۶۰۰ شخص و موسسه که به خاطر حمایت از برنامه هسته ای و موشک بالستیک ایران هدف قرار داده شده به قوت خود باقی خواهد ماند.
- ۶/۵- تحریم علیه سرمایه گذاریهای درازمدت و ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی خواهد ماند.
- ۷/۵- تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی خواهد ماند.
- ۸/۵- تحریم های گسترده آمریکا علیه تجارت با ایران به قوت خود باقی ماند، و جلوی دسترسی ایران به تجارت با بزرگترین اقتصاد های جهان را خواهد گرفت.
- ۹/۵- همه تحریم های شورای امنیت سازمان ملل به قوت خود باقی خواهد ماند.
- ۱۰/۵- همه تحریم های هدفمند مادر رابطه با حمایت از تروریسم، نقش بی ثبات کننده ایران در بحران سوریه و سابقه بد حقوق بشر ایران در میان نگرانی های دیگر به قوت خود باقی خواهد ماند.

فصل دوازدهم – راه حل جامع

در فاز اولیه شش ماهه، گروه ۱+۵ به مذاکراه برای رسیدن به راه حلی جامع ادامه خواهد داد. پارامترهای کلی این راه حل جامع، در مسیر اطمینان دادن به جامعه بین المللی در خصوص فعالیت های منحصرا صلح آمیز هسته ای ایران است. تحت این راه حل جامع، هیچگونه توافقی در زمینه راه حل جامع صورت نمیگیرد، مگر آنکه در همه زمینه ها توافق حاصل شود. در شش ماه آینده ما تشخیص خواهیم داد که این راه حلی که به ما اطمینان کافی دهد که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است وجود دارد یا خیر؟ اگر ایران نتواند نگرانی ما را حل کند ما آماده ایم که تحریم ها و فشار را افزایش دهیم.

نتیجه – گزارش تفسیری آقای اوباما

بطور خلاصه این گام اولیه به نوبه خود پیشرفت بزرگی است بدون این توافق نامه مرحله ای، ایران نمیتوانست هزاران سانتریفوژ را فعال کند. میتوانست سانتریفوژهای نسل جدید را که مدت زمان فوران را کوتاه ترمیکند نصب کند. میتوانست راکتور آب سنگین اراک را سوختکاری و راه اندازی کند. میتوانست

ذخائر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را از میزان اورانیوم لازم برای ساخت بمب فراتربرد. ایران تحت شرایط توافق کنونی، قادر به انجام هیچیک از این موارد نیست.

علاوه بر این، بدون این رویکرد مرحله ای، ائتلاف تحریم های بین المللی ضعیف میشد، زیرا ایران این استدلال را برای جهانیان مطرح میکرد که برای رسیدن به راه حلی دیپلماتیک جدی بوده و ما نبوده ایم. در این صورت نمیتوانستیم شرکای خود را در اعمال حیاتی تحریم ها با خود همراه کنیم.

با این گام اولیه، ما برنامه هسته ای ایران را متوقف کرده و به عقب می‌رانیم و گزینه ای مشخص را در برابر ایران قرار میدهیم تا به تعهداتش عمل کند و با حسن نیت برای رسیدن به توافقی نهایی مذاکره کند وگرنه جامعه بین المللی با انزوا و فشار بیشتر به ایران واکنش نشان خواهد داد.

مردم آمریکا راه حلی صلح آمیز و پایدار را که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود و نظام جهانی منع گسترش تسلیحات جمعی را تقویت کند ترجیح میدهند

توافق کنونی پتانسیل تحقق این هدف را دارد. آمریکا از طریق دیپلماسی قاطع و اصولی، نقش خود را برای تحقق صلح بیشتر و همکاری میان کشورها ایفا خواهد کرد.

تجزیه تحلیل حقوقی موافقتنامه

۱+۵ با جمهوری اسلامی

(قسمت دوم)

مقصود از تجزیه تحلیل، بررسی قطعات و بخشهای یک سند و یا متن است با موازین حقوقی. ابزار این کار دو چیز است. نخست قوانین و دوم، واژه ها که ستون گفتار و بیان کننده قصد و انشاء است.

هر قدر که رکن قانون در تجزیه تحلیل ثابت و مشخص است برعکس واژه های بکاررفته نا محدود و نامشخص است و در بیان تعارض و یا تعادل و یا عوض، نقش هائی را عهده دار میشوند که قصد طرفین و یا لاقط یکطرف از مذاکره و توافق و قرارداد را دگرگون میسازد.

این مختصر بدان سبب به تصدیع رفت که اگر این تحریر روی واژه های موافقتنامه مورد نقد، کمی توقف دارد هدف، یافتن مفاهیم و تسری آن به موافقت نامه است تا اگر واژه های بکاررفته تغییر ماهوی در موافقت نامه بوجود آورده از دانه تجزیه و تحلیل بیرون نماند.

ناگفته پیداست که اهمیت واژه ها و عبارات در قرارداد ها تاحدی است که همواره در قرارداد بین کشورها این نکته معطوف است که در صورت اختلاف در معنای واژه ها کدام زبان قرارداد معتبر است.

نام موافقتنامه

تخصیص نام موافقتنامه برای متن ومصوبه مذاکرات ژنو با معنای برآمده از آن متن، سازگاری ندارد و اگر هم به دلیل تائید واستفاده طرفین از آن عنوان، قائل به موجودیت حقوقی برای آن بشویم اعتبار لازم را که بتواند مبنای قراردادی بشود، در آن نمی یابیم.

توضیح اینکه - هرمتنی که به امضای چند ویا دونفر رسید ممکن است سند باشد ولی سند حقوقی معتبر نیست. سند معتبر حقوقی آن است که ارکان حقوقی عقد ویا موافقت نامه در سند موجود ورعایت شده باشد. (پایان توضیح)

بنابراین عنوان سند اعم از اینکه قرارداد ویا موافقتنامه نامیده شود، تاثیری در ماهیت سند ندارد، مگر اینکه آن سند واجد اعتبار حقوقی باشد.

موافقتنامه، (ژنو) یک سند حقوقی معتبر نیست

دلایل این مهم بقرار زیر است:

رکن تعادل

یکی از ارکان لازم برای معتبر شدن سند، وجود رکن تعادل است. یعنی بین عوض ومعوض تعادل نسبی ومعمول وجود داشته باشد. اگر موضوع سند وقرارداد، مال باشد باید تعادلِ عُرف پسندی بین مبیع وبهای آن مقرون به انصاف باشد واگر موضوع سند، عمل است مانند موافقت نامه ۱+۵ باید بین تعهدات عملی ایران و ۱+۵ تعادل منطقی وجود داشته باشد واگر این تعادل وجود نداشته باشد حالت غبن وبی انصافی ظهور دارد.

غبن، به معنای فریب خوردن یک طرف معامله وقرارداد است که در نتیجه آن فریب، ضرر فاحشی به یکطرف معامله وارد میشود؛ وتفاوتی هم ندارد که فریب مزبور نتیجه نادانی طرف مغبون ویا صحنه سازی واغوا گری طرف دیگر باشد؛ (حقوق فرانسه هم تقریباً همین تعبیر را از غبن آورده است).

رکن تعادل وپاکی در موافقتنامه مزبور، بکلی مفقود است به فصول وبندهای موافقتنامه رجوع میشود.

در فصلهای دوم وسوم وچهارم وپنجم وششم موافقتنامه، بخشی از تعهدات ایران احصاء شده است که نشان از عظمت ویک سو بودن موافقتنامه بنفع ۱+۵ و ورود غبن است.

در ردیف ۱ فصل یکم، آقای باراک اوباما مسئله تامین منافع ملی آمریکا را در این موافقت نامه تائید کرده است بدون اینکه اشاره ای به تامین منافع طرف موافقتنامه یعنی ایران شده باشد واین خود ناشی از وجود غبن در موافقتنامه است.

در فصل هشتم موافقتنامه (لغو محدود، موقت وبازگشت پذیری تحریم ها)، مماشات (نه تعهد) گروه ۱+۵ به ذکر آمده است. نگاه به ردیفهای فصل مزبور نشان میدهد که هیچ تعهدی برای ۱+۵ در مقابل تعهدات

ایران وجود ندارد و در واقع همان طوری که ردیف اول فصل هشتم نشان میدهد در ازای تعهدات ایران، گروه ۱+۵ از تحمیل تحریم های جدید برای ۶ ماه که آنها بسته به میل گروه خودداری خواهد کرد. این یک نوع مماشات است نه تعهد.

فصل هشتم - لغو محدود، موقت و بازگشت

پذیری تحریم ها

۴- درازای این گام ها، گروه ۱+۵ لغو تحریم های محدود، موقت، هدفمند و بازگشت پذیری را ارایه میکند و ما همزمان بخش اعظم تحریم های خود از جمله ساختار تحریم های نفتی، مالی، و بانکداری را حفظ میکنیم. اگر ایران به تعهداتش عمل نکند لغو تحریم هارا لغو میکنیم. گروه ۱+۵ بطور مشخص متعهد شده است که ...

کلیت شرط و تعهد مزبور در قرارداد میتواند چنین تشبیه شود که کسی به طرفش میگوید اگر کارهایی را که من میخواهم انجام دهی یک سیلی که ممکن است در آینده بتو بزنم تاخیر خواهم کرد.

این شرط و شروط، موافقتنامه رایکطرفه وتوام با غبن فاحش و ضرر بزرگ به زیان یک طرف موافقتنامه یعنی ایران ساخته که

در صورت اعلام ایران موافقتنامه از اعتبار حقوقی

ساقط میشود مگر اینکه قصد طرفین و یا یک طرف موافقتنامه، برپایه ای بوده باشد که نیازی به مرضی الطرفین بودن و معادل بودن رانداشته باشد مانند؛ ترحم نامه، امان نامه، تسلیم نامه و امثال آنها که از عقد جایز است.

رکن تهدید و ارباب

اصالت و اعتباریک موافقت نامه و قرارداد، در فراغت از تهدید و ارباب است. موافقت نامه مورد بحث سخت آلوده به تهدید و ارباب میباشد.

تحریم های یکطرفه نفس گیر آمریکا - تهدید به تحریم های سخت دیگر، تهدید دائم به حمله هوایی به ایران، تاکید آمریکا که حتما و بهر قیمت مانع فعالیت اتمی ایران خواهد شد - بی اعتنائی آمریکا و ۱+۵ به عدم وجود دلیل کافی بر اینکه ایران قصد دسترسی به سلاح اتمی ندارد- تحریم های خودسرانه آمریکا و تحمیل همان شیوه به کشورهای اروپایی و تهدیدات دیگری که صریحا در موافقت نامه پیاده شده، نشان از یک تهدید و ارباب دائم است و طرف ایران را در موافقتنامه در موقعیت اجبار در قبول تعهدات قرار داده است.

تفوق و موقعیت سیاسی و نظامی کشورهای ۱+۵ بر ایران موضوعی است که به اجبار و تهدید در قرارداد عینیت میبخشد و نقش تروریست ها و خرابکاران نیابتی آمریکا که در عراق و سوریه فعالند از دایره تهدید ایران تصویر مسلمی را بنمایش میآورد.

تسلط بر تولید نفت ایران ، شرط خلاف منشور سازمان ملل

در کنار تهدیدات متعدد و ایجاد کره و اجبار در موافقتنامه، در ردیف ۵ فصل هشتم و ردیف دوم فصل ۱۱ تولید نفت خام ایران محدود به یک میلیون بشکه در روز شده است و ایران ملزم گردیده که روزانه بیش از یک میلیون بشکه نفت خام استخراج نکند.

چنین تحمیلی از سوی ۱+۵ به ایران، کاملاً خلاف مصوبات سازمان ملل متحد است که از سال ۱۹۵۲ در قطعنامه های مجمع عمومی سازمان پیاده شده و مورد عمل بسیاری از کشورها و حتی ایران شاهنشاهی نیز

بوده است، و مقرر میدارد که اسقاط حق حاکمیت

کشورها بر منابع ثروت های زیرزمینی و فعالیت

های اقتصادی آنها مابین با احترام به حاکمیت

ملی کشورهاست. برخی از ارکان های سازمان ملل خاصه

پاراگراف اول ماده ۲ (منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها) به آن صراحت دارد.

از حق مزبور، ایران در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۷۹ دوبار از حق

حاکمیت کشورها بر منابع زیر زمینی خود استفاده کرد. مصر

در سال ۱۹۵۶، اندونزی ۱۹۵۷ عراق در سالهای ۱۹۷۱

و ۱۹۷۳ بتاسی از ایران از حق مزبور استفاده کردند

واقعا اینکه همکاری ایران با آژانس اتمی برای اثبات صلح آمیز

بودن برنامه هسته ای اش چه ارتباطی به جلوگیری از بهره

برداری ایران از نفت خود را دارد، با جواب منطقی

روبرونیست.

خاصه به اینکه در ردیف دوم فصل یازدهم آمده است که

<فروش نفت ایران به حدود یک میلیون بشکه در روز محدود

خواهد شد، امری که موجب میشود ایران همچنان ماهیانه ۴ میلیارد دلار ضرر کند>.

در دنباله همان دریف دوم آمده است: <مادرمکاری با شرکای بین المللی مان فروش نفت ایران را از

۲/۵ میلیون بشکه در روز در اوایل سال ۲۰۱۲ به یک میلیون بشکه در روز در مرحله کنونی رسانده ایم و

توانائی فروش ۱/۵ میلیون بشکه در روز را از ایران گرفته ایم یعنی از دست رفتن بیش از ۸۰ میلیارد دلار

از اوایل سال ۲۰۱۲ امری که ایران هرگز نمیتواند آن را جبران کند>

در ریف سوم فصل یازدهم این تاکید آورده شده است :

<تحریم های صادرات کالاهای نفتی ایران (پتروشیمی) که باعث از دست رفتن میلیارد ها دلار درآمد ایران

شده، در جای خو باقی خواهد ماند>.

تعهد ایران در موافقتنامه مزبور علیرغم آنکه در مسیر اجبار و تهدید تحمیل ایران شده اساسا

بر خلاف حقوق بین الملل است و بطور مسلم با رجوع ایران به دادگاه بین المللی بطلان آن

۲- تحریم فروش نفت خام همچنان

بردولت ایران فشار خواهد آورد.

مادرمکاری با شرکای بین المللی

مان فروش نفت ایران را از ۲/۵

میلیون بشکه در روز در اوایل سال

۲۰۱۲ به یک میلیون بشکه در روز

در مرحله کنونی رسانده ایم و توانائی

فروش نفت را تقریبا ۱/۵ بشکه در

روز از ایران گرفته ایم یعنی از دست

رفتن بیش از ۸۰ میلیارد

دلار از اوایل سال ۲۰۱۲ امری که

ایران هرگز نمیتواند آنرا جبران کند.

تحت این گام اولیه، ممنوعیت فروش

نفت خام به اتحادیه اروپا در جای

خود باقی خواهد ماند و فروش نفت

ایران به حدود یک میلیون بشکه در

روز محدود خواهد شد امری که

موجب میشود ایران در هر ماه ۴

میلیارد دلار ضرر کند.

عملی خواهد شد بدون اینکه این رجوع بدادگاه. تأثیری در جریان موافقتنامه داشته باشد یعنی از مراتب ابطال تعهد است نه ابطال موافقت نامه

ابهام در طرف موافقت نامه

در فصل اول موافقت نامه، (گام نخست توافق ها) یکطرف موافقت نامه، ایران و طرف مقابل، کشورهای ۵+۱ شامل (آمریکا - انگلیس - فرانسه - روسیه - چین به کمک اتحادیه اروپا) معرفی شده است

فصل اول - گام نخست توافق ها در رابطه ببرنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران:

۱- گروه ۱+۵ (ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، روسیه و چین به کمک اتحادیه اروپا) در مذاکرات جدی و اساسی با ایران باهدف رسیدن به راه حلی دیپلماتیک و قابل راستی آزمایی که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود شرکت داشته اند.

حضور اتحادیه اروپا بعنوان کمک، مبهم است و معلوم نیست مقصود از کمک چیست و اساساً در حالیکه طرف موافقتنامه کشورهای ۵+۱ با نام معرفی شده اند چگونه اتحادیه اروپا هم به آن ضمیمه شده؛ آیا با موافقت طرف دیگر موافقتنامه یعنی ایران بوده است، معلوم نیست.

در ابتدای موافقتنامه آمده است:

«متن زیر جزئیات توافق هسته ای میان ایران و ۶ قدرت جهانی است» توضیح مزبور طرف موافقتنامه را محدود به ۶ قدرت نموده که همان کشورهای عضو دائم شورای امنیت است بعلاوه آلمان.

بنابراین نمیتوان اتحادیه اروپا را طرف موافقتنامه شناخت زیرا تعداد طرف ایران میشود ۷.

یکی از شرایط هر قراردادی معلوم بودن رابطه طرف قرارداد با تعهدات له و یا علیه است. کمک بودن اتحادیه اروپا واجد این مفهوم است که اتحادیه به گروه ۵+۱ مشاوره میدهد و نمیتواند طرف ایران در موافقتنامه شناخته شود.

فقط در قرارداد های ناشی از تسلیم کشورها در جنگ است که بنابر سابقه، کشور پیروز از کشورهایانی که در جنگ کمک کرده اند برای امضا و مشارکت در قرارداد صلح دعوت میکند. این روال هم یک قاعده حقوقی نیست چنانکه در جنگ بین الملل اول با آنکه ایران بنفع متفقین کمک کرده بود معزاً دولت انگلیس از حضور نماینده ایران ممانعت کرد.

حاشیه = هم امروز که این تحریر تنظیم میشود خبرها حاکی از آن است که اتحادیه اروپا چند شرکت ایرانی را تحریم کرده است؛ این خود دلیلی است که اتحادیه اروپا خود راملزم به تبعیت از موافقتنامه نمیداند.
(پایان)

این عمل اتحادیه اروپا یعنی تحریم شرکتهای ایرانی آنهم سرخود و عدم اعتراض گروه ۵+۱ راهی خواهد شد که هریک از کشورهای ۵+۱ خاصه آمریکا علیرغم توافقنامه، راه مستقلى در تحمیل تحریم به

ایران برگزینند و در عین اینکه گروه به توافقنامه احترام میگذارد کشورهای عضو گروه همانند اتحادیه اروپا سیاست خاصی در مورد تحریم ایران انتخاب کنند.

واژه های ابهام آور

در موافقت نامه واژه هائی بکاررفته که مفاهیم و معانی آن نامشخص است و از واژه هائی که دارای معانی تعریف شده باشد نیستند و لاجرم میتواند مورد سوء استفاده و یا مناقشات گردد از جمله:

واژه هدفمند که در فصول مختلف موافقتنامه آمده، تسری آن هر هدفی را شامل میشود.

در ردیف ششم فصل هشتم عبارت <... تاجائی که سیستم های سیاسی شان امکان پذیر باشد، ...> مبهم و معلوم نیست که مقصود از سیستم سیاسی ایران قانون اساسی جمهوری اسلامی است و یا چیز دیگری.

در ردیف فصل دوازدهم عبارت <در همه زمینه ها توافق حاصل شود> نشان از توافق هائی دارد که مکمل توافقنامه مورد بحث و یا توافق ها ضمیمه است. اگر این برداشت درست باشد مشکلات پی آمد آن با ابهامات همراه را نمیتوان نادیده گرفت و توافق معلق به امر نامعلوم شده است.

۴- مجوز بازرسی ها و تعمیرات مرتبط با ایمنی در داخل ایران را برای برخی خطوط معین هوائی بدهد.

در ردیف چهارم فصل هشتم (لغو محدود، موقت و بازگشت پذیری تحریم ها) عبارت <مجوز بازرسی ها و تعمیرات ایمنی را برای برخی خطوط معین هوائی ایرانی بدهد> مبهم است و نمیگوید تشخیص برخی باکیست و علت این تبعیض چرا؟

راه حل مغشوش

راه حلی که موافقتنامه در فصل دوازدهم (راحل جامع) پیش بینی کرده در عین مغشوش بودن بسیار هم بدیع و بیسابقه است؛ میگوید:

<در شش ماه آینده ما تشخیص خواهیم داد که آیا راه حلی که به ما اطمینان کافی دهد که برنامه هسته ای ایران صلح آمیز است وجود دارد یا خیر؟ اگر ایران نتواند نگرانی های ما را حل کند ما آماده ایم که تحریم ها و فشار را افزایش دهیم>

ملاحظات بر راه حل جامع

۱- در فصول دوم تا ششم در ۱۸ ردیف بطور بسیار دقیق و جامع تعهدات ایران شمرده شده که از جمله است تعطیل فعالیت اتمی و آب سنگین اراک و فردو، توقف غنی سازی اورانیوم، دسترسی روزانه برای بازرسان آژانس از فعالیت اتمی ایران، نصب دوربین ها و تصویربرداری و رجوع آژانس به پرونده ها و طرح ها و غیره در تعهد ایران قرار گرفته است بنابراین در راستای تعهدات ایران، با آژانس است که تشخیص دهد که فعالیت های اتمی ایران صلح آمیز است و یابسوی سلاح های هسته ای می رود نه گروه ۵+۱

۲- واژه های «تشخیص خواهیم داد»، «به ما اطمینان کافی بدهد»، «نگرانی مراحله کند» واژه های کش داری است که چون باضابطه ای مشخص همراه نیست و معیاری برای کافی بودن اطمینان و رفع نگرانی در دست نیست و حد و تحقق آن بسته به میل و تشخیص گروه ۵+۱ است. **لذا این مراتب راه حل نیست بلکه راه اسارت و در دست راست.**

نمیشود در موافقتنامه و یا قراردادی انجام تعهد متعهد رابه قضاوت و تشخیص و رضایت و رفع نگرانی طرف دیگر موکول کرد، این چنین شرطی با ماهیت عقد و تعهد منافات دارد.

نمایندگان جمهوری اسلامی که بکرات به عدم اطمینان نسبت به آمریکا اعلام موضوع کرده اند چرا امر تشخیص و رضایت رابه آمریکا محول ساخت اند؟ آیا اثرات این تسلیم و اطاعت محض بر کسی پوشیده است؟ باید این واقعیت را پذیرفت که موافقتنامه در ماهیت یک امان نامه است که مترتب بر انصاف و تشخیص امان دهنده میباشد.

ضمانت اجرای عدم تعهد باید در قرارداد مشخص باشد؛ نمیشود گفت؛ اگر ما تشخیص دادیم که رفع نگرانی ما نشده فشار را افزایش میدهم. مقصود از فشار چیست و افزایش آن تا چه حد است؟ اشتباه نشود واژه های فشار و افزایش متوجه تحریم ها نیست زیرا در فصول موافقتنامه چندین بار صریحا به ادامه تحریم ها و وضع تحریم های جدید اشاره شده است.^۵

ایجاد حق برای ۵+۱ در عبارت «افزایش فشارها» کلی است و تشخیص مراتب آن با ۵+۱ است معنای تحریم ها معلوم است چراکه سابقه اجرائی در ایران دارد ولی فشار، بیسابقه است و اقدامات نظامی به اقسامه، میتواند تامین کننده فشار نظامی گروه ۵+۱ باشد.

۳- در ردیف ششم فصل اول موافقتنامه (گام نخست توافق ها) آمده است

>..... تازمانی که همه چیز در زمینه یک راه حل جامع مورد توافق قرار نگیرد توافقی صورت نخواهد گرفت ..<

راه حل جامع یعنی چه و نسبت به چه موضوعاتی است نمیشود گفت که راه حل جامع مقصود راه حل هائی است که مربوط به فعالیت های اتمی ایران است چراکه در قسمت اول همان ردیف ششم بطور مجزا

۵ - این فشار ها با توجه به اینکه در سرتاسر دوران مذاکره اتمی آمریکا، به ویژه پس از دوران آقای جورج دبلیو بوش و وزیر خارجه اش خانم کاندالینا رایس، که همواره تکرار کرده اند همه گزینه ها (گزینه جنگ را هم شامل است) روی میز است و آقای اوباما به تبع سیاست خارجی آمریکا آنرا تکرار کرده است، بنابراین [جامعه جهانی - بخوانید آمریکا] باب تازه ای باز کرده است تا بدون مشورت با شورای امنیت و دیگر هم پیمانان خود هربار احساس کرد «رضایت خاطرش تامین نیست» حمله نظامی بدون اعلام قبلی بکند. ح-ک

به تعهد ایران در مقابل آژانس اشاره قاطع دارد بنابراین <همه چیز> که از عوامل سازنده یک راه حل جامع معرفی شده شامل چیزهایی بسیار نامعلوم برای جمهوری اسلامی و معلوم برای ۱+۵ است.

از آنجا که نمایندگان ایران به مجموعه درک ۱+۵ ادعان کرده اند (در موافقتنامه) و <همه چیز هم> تولید شده از درک ۱+۵ است. لذا نمایندگان جمهوری اسلامی پیشاپیش به همه آن چیزهایی که برایش نامعلوم و در دامنه وسیع درک ۱+۵ قرار گرفته است موافقت کرده است.

انگیزه و علت گنجاندن این شرط و حصول آن بتشخیص ۱+۵ یعنی آمریکا دربرگیرنده همه مسائلی میباشد که مورد نظر آمریکاست از قبیل:

بهبان حقوق بشر- خسارت تحریم ها - تجدید نظر ایران در روابط با روسیه و چین - عدم حمایت از فلسطینی ها - ایجاد پایگاه های فرهنگی و بعد نظامی - ایجاد رابطه با اسرائیل (وعده ای که جناح آمریکائی شورش بسردستگی بازرگان به آمریکا داده شده بود) انتقال قدرت به جناح طرفدار آمریکا - موضوع عراق و سوریه و حزب الله و دیگر چیزهایی که آمریکا از درک خودش استخراج میکند و موافقتنامه، آن درکهای مجهول را به امضای نمایندگان ایران رسانده است.

اینجاست که میتوان گفت موضوع فعالیت هسته ایران سرپوشی است که زیر آن، مقاصد بسیار روشن آمریکا بسته بندی شده تا بموقع ارایه شود. قضیه رانیویورک تایمز شهادت میدهد

نیویورک تایمز نوشت:

حیه اعتقاد کاخ سفید راه کنترل ایران مهار برنامه هسته ای و تغییر ماهیت نظام بطور همزمان است. بایک معامله هسته ای و تقویت گروه های نزدیک به آمریکا در ایران میتوان نظام را تغییر داد و بسا مهار قابلیت های هسته ای میتوانیم روی تغییر انقلابی در ایران حساب کنیم

هزینه های بازرسی آژانس

در موافقتنامه روشن نیست که هزینه های بازرسی آژانس و همچنین متوقف ساختن فعالیت های هسته ای ایران و یا تبدیل اورانیوم ۲۰ درصدی به ۳/۵ درصدی و بسیاری از تعهدات ایران باکیست؟ زیرا در تعهدات ایران در ردیف یکم فصل ششم مقرر شده است که <ایران دسترسی روزانه به نطنز و فردو را در اختیار بازرسان آژانس قرار دهد. دسترسی شامل کارهای فنی و کارگران و متخصصین و ماشین آلات نمیشود.

روز پنجشنبه هفتم آذرماه (۱۳۹۲=۲۵۵۲) آقای امانو مدیرکل آژانس اتمی گفت: <این کار (بازرسی تاسیسات اتمی ایران) کاری پیچیده است ما باید برای انجام آن خود را به شکل مناسبی در آوریم من نمیتوانم بگویم کی این کار انجام شدنی است، ما نه پول داریم و نه کادر لازم. بودجه آژانس بسیار محدود است فکرنمیکم که ما بتوانیم هزینه های این کار را فراهم کنیم.>

اظهارات آقای امانو نشان میدهد که هزینه بازرسی تاسیسات اتمی ایران بر عهده آژانس است ولی هزینه های متوقف کردن فعالیت اتمی و تبدیل اورانیوم غنی شده ایران به زیر ۵ درصد و یا غیرقابل مصرف که یک کاری سابقه در ایران با هزینه نامعلوم برای ایرانیان است بر عهده کیست؟

نمایندگان ایران در کنفرانس ژنو علی القاعده نمیتوانند ایجاد تعهدات مالی آنهم در حد نامعلوم برای کشور بنمایند.

سابقه چنین موردی را شاید بتوان درختی کردن تاسیسات شیمایی سوریه یافت که هزینه عملیات کارشناسی آن تعهد، از جانب سوریه تامین نشد بلکه فقط همکاری های محلی واداری وامنیتی آنرا سوریه برعهده گرفت.

بهرحال؛ ابهامات موجود در راه حل واعلامات مدیرکل آژانس اتمی به نداشتن بودجه ومتخصص، زمینه را برای ادعای قصور ایران برای ۱+۵ فراهم میسازد و آمریکا از گنگی وابهام در متن استفاده خواهد کرد و هزینه های متعلقه راهم به ایران تحمیل خواهد کرد.

فقدان مرجع حل اختلاف

فقدان مرجع حل اختلافات ناشی از موافقتنامه از هم اکنون دورنمای گرفتاری وسرگردانی جمهوری اسلامی را بتصویر میآورد.

اشتباه نشود تشکیل کمیسیون مشترک در فصل هفتم (مکانیسم راستی آزمایی) همانطور که در موافقتنامه توضیح شده کمیسیون مزبور بمنظور همکاری با آژانس تشکیل میشود واین کمیسیون نه دادگاه است ونه داور که بتواند اختلافات ناشی از تفسیر واجرای موافقتنامه را حل وفصل کند.

درست است که اختلافات بین دولتها در دادگاه لاهه رسیدگی میشود ولی شرط دخالت دادگاه لاهه این است که طرفین دعوا یعنی ایران وگروه ۱+۵ هر دو با حل وفصل دعوا و اختلاف بوسیله دادگاه لاهه موافقت کنند وبهمن دلیل است که تا دادگاه احراز صلاحیت نکند یعنی موافقت طرفین دعوا رانداشته باشد دخالت در موضوع نمیکند.

بنابراین در صورتی که گروه ۱+۵ با رجوع اختلاف به دادگاه لاهه موافقت نکند ایران دستش از همه جا کوتاه خواهد ماند.

به همین علت است که در قرارداد و موافقتنامه های بین کشورها ذکر میشود که مرجع رسیدگی به اختلافات دادگاه لاهه است که از همان موقع تنظیم موافقت نامه و قرارداد، برای دادگاه لاهه احراز صلاحیت شده باشد.

این امرواضح ومعمول، در موافقتنامه مزبور نادیده گرفته شده است.

خفت و ذلت فوق تصور

در فصل هشتم موافقتنامه زیر عنوان < لغو محدود، موقت وبازگشت پذیری تحریم ها> که تعهدات گروه ۱+۵ مطرح شده در ردیف های ۵ و ۶ و ۷ بجای اینکه گروه، متعهد شناخته شود، گروه، اجازه دهنده معرفی شده است.

این از عجایب موافقتنامه است. اجازه، ابدا ایجاد تعهد و الزام برای اجازه دهنده نمیکند. اجازه، از نظر حقوقی اعلام است نه انشاء. و هر زمان که اجازه دهنده مایل باشد استفاده از اجازه را متوقف میکند.

شرط اصلی در اجازه آن است که مورد اجازه متعلق به اجازه دهنده باشد مانند کسی که اجازه میدهد از اتومبیلی که متعلق به خود اوست شخص دیگری استفاده کند.

ولی در موافقتنامه مزبور گروه ۱+۵ به ایران اجازه داده است که ایران از مال خودش استفاده کند به ردیف های ۵ و ۶ و ۷ فصل هشتم موافقتنامه رجوع کنید این چنین چیزی بسیار غیر عادی در قرارداد است.

حتی در قرارداد های ارباب رعیتی که در رده قرارداد های منحوس و محکوم معرفی شده نیز چنین چیزی که در موافقت نامه آمده دیده نمیشود. در قراردادهای ارباب رعیتی، ارباب به رعیت اجازه میدهد که در ملک و زمین ارباب کشت کند و چند درصدی به ارباب بدهد.

۵- اجازه دهد که خرید نفت ایران در سطح فعلی که به نحو قابل توجهی کاهش یافته یعنی ۶۰ درصد کمتر از دو سال پیش باقی بماند.
۶- در مدتی که ایران به تعهداتش عمل میکند ۴/۲ میلیارد دلار از این فروشها اجازه پیدا میکند در اقساط به ایران انتقال یابد.
۷- اجازه دهد که ۴۰۰ میلیون دلار بصورت کمک های تحصیلی دولتی از صندوق های ایرانی محدودی، مستقیما به موسسات آموزشی شناخته شده در کشورهای ثالث انتقال یابد تاهزینه های تحصیلی دانشجویان ایرانی پرداخت شود.

تنها در شرائط زندانی دیده میشود که زندانبان به زندانی اجازه میدهد که از کتاب و یا غذای متعلق به خود استفاده کند.

یا بهنگام اشغال کشور، کشور فاتح اجازه میدهد به کشور مغلوب که از امکانات خودش استفاده کند و البته هر وقت که لازم دید سلب اجازه میکند.

البته که آوردن واژه اجازه در قرارداد یک شیطنت است و آثار متعلقه به آن موجب ترغیب گروه ۱+۵ به استفاده از آن شده است. و راه عدول از اجازه برای گروه هموار خواهد بود.

ولی بطور حتم اگر نمایندگان جمهوری اسلامی (ایران) کوچکترین توجهی به تغییر واژه اجازه داشتند محال بود که

گروه ۱+۵ مخالفت کند زیرا واژه اجازه، در موافقت نامه، استیضاح بردار میباشد و بر راحتی ممکن بود واژه مناسبی به جای آن گذاشت.

خفت و ننگ و اسارت، از این موافقتنامه میبارد و هر کس آنرا با دقت بخواند محال است که به جایگزینی اجازه بجای تعهد پی نبرد و احساس تحقیر و اسارت ایران را در موافقتنامه مزبور درک نکند.^۶

بنده وقتی به موارد اجازه در موافقتنامه برخورد کردم باورم نشد به نسخه انگلیسی رجوع کردم دیدم دقیقا از کلمه Allow استفاده شده است.

نمیشود گفت که نمایندگان ایران در ژنو به اهمیت و آثار واژه اجازه وقوف نداشته اند، بلکه میتوان گفت قصد ایران از شرکت در ژنو و امضای موافقت نامه قصد امان داشتن و امضای امان نامه بوده است.

^۶ - شوربختانه تعدادی از دیپلمات های کهنه کار با فرستادن «نامه دستت درد نکند» به جواد ظریف اگر هم متوجه شده بودند آنرا نادیده گرفته اند. ح-ک

بهمین دلیل هم همینکه نمایندگان ایران به امان ۶ ماهه از تحریم های اضافی و حمله نظامی رسیدند، خود را موفق و پیروز یافتند، و این جشن و سرور و تمجید از نمایندگان ایران هم به اعتبار همان امان شش ماهه است که نگرانی ایران از حمله هوایی و یا تحریم های اضافی ظرف ۶ ماه آینده مرتفع شده است.

موافقتنامه مزبور برای اینکه با مذاکره و رفع سوء تفاهم و در مسیر تعادل قرار گیرد کار ساده ای نبوده و نیست که به این سرعت تنظیم و ظرف مدت کوتاه ۳ روزه امضا شود. بنده که بنقد و تجزیه تحلیل آن رفتم هنوز پس از پنج روز درگیر آن هستم و تاکنون با همه تلاش، موفق به احاطه تمام موارد و ریزه کاریهای موافقتنامه نشده ام.

آقای ارمائو مدیرکل آژانس اتمی گفته است: **«ماباید توافقنامه ژنورا مطالعه کنیم، این کار وقت لازم دارد چون کاری پیچیده است»**

چطور مطالعه یک قرارداد برای آژانس اتمی که در جریان تنظیم موافقتنامه قرار داشته و دارای کادر اداری و فنی مجهزی است، یک هفته وقت کافی نیست ولی تنظیم آن در دو روز برای نمایندگان ایران کافی بوده است؟^۷

در ردیف سوم فصل هشتم موافقتنامه می بینیم ۱+۵ اعلام کرده که بواسطه رفع تحریم از طلا و خودرو و... ۱/۵ میلیارد دلار (احتمالاً) عاید ایران میشود - و نمایندگان ایران هم آنرا تأیید و امضا کرده اند نمایندگان ایران چگونه در یک روز به اصالت این ادعا و مبلغ مزبور رسیده اند که آنرا امضا کرده اند؟

آقای ظریف گفت که روز اول حالت معجزه داشت که حسن نیت گروه ۱+۵ مشهود شد بنابراین فقط یک روز صرف بحث و اقناع طرفین نسبت به موافقت نامه مزبور شده چرا که روز سوم هم روز امضای موافقت نامه و شادی و میهمانی بوده است.

این مرحله نشان میدهد که اساساً متن موافقت نامه از قبل با تدبیر و حوصله و مطالعه و کارشناسی بوسیله گروه ۱+۵ تهیه شده و نقش نمایندگان ایران فقط امضا کردن و پریدن در بغل هم و عکس یادگاری گرفتن بوده است.

سوریه و حقوق بشر (شیطننت سیاسی)

در ردیف ۱۰/۵ فصل ۱۱ (ادامه فشارهای اقتصادی) آمده است:

«همه تحریم های **هدفمند** مادر رابطه با حمایت ایران از تروریسم، نقش بی ثبات کننده ایران در بحران سوریه و سابقه بد حقوق بشر ایران، در میان نگرانی های دیگر بقوت خود باقی است»

موضوع مذاکرات هسته ای و اختلاف بین آژانس و ایران و گروه ۱+۵ هیچ ارتباطی به ادعای نقش ایران در بی ثبات کردن سوریه و حقوق بشر ندارد، این شیطننت برای اقرارگیری از ایران است تا از آن استفاده شود.

^۷ - چطور برای کسانی که برای آقای ظریف شعر پیروزی «ظریف» هم صادر کرده اند بدون خواندن جزییات توافق نامه امکان پذیر بوده... من که تنها در تنظیم این نوشته شرکت داشته ام دو روز ساعت ها کار کرده ام... ح-ک

اسناد سیاسی نشان میدهد که کشورهای اروپایی و آمریکا و عربستان و قطر نقش روشن و اقرار شده در پی ثبات کردن سوریه داشته اند. بی توجهی نمایندگان ایران در این شیطنت سیاسی سبب شد که ادعای عدم دخالت جمهوری اسلامی در بحران سوریه با امضای نمایندگان ایران بی اعتبار شود.

در فصل اول موافقت نامه (گام نخست توافق نامه.....) هدف از موافقت نامه راه حل دیپلماتیک که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته ای شود معرفی شده است.

بنابراین موضوع توافق نامه باید محدود به مسائل وابسته به انرژی اتمی باشد نه مسئله سوریه و حقوق بشرویا مسائلی مانند حجاب و سنگسار و انتخابات آزاد و زندانیان سیاسی و امثالهم.

ارایه دادن بجای تعهد کردن (شیطنت سیاسی)

در فصل یکم موافقت نامه پس از اینکه ایران به تمام خواسته های گروه تمکین میکند گروه در ردیف سوم همان فصل در مقام مقابله با تمکین ایران گفته است:

در ازای تعهدات ایران و بعنوان بخشی از این گام اولیه گروه ۱+۵ لغو تحریم های محدود، موقت، هدفمند و بازگشت پذیری رابه ایران ارایه میکند <.....>

ارایه به معنای نشان دادن است. بجای اینکه نوشته شود گروه ۱+۵ لغو تحریم های محدود، موقت، هدفمند و بازگشت پذیری رابه ایران تعهد میکند؛ نوشته ارایه میدهد. آیا مفهوم تعهد با ارایه یکی است؟

آیا اگر ایران هم بجای تعهد کردن از واژه ارایه دادن استفاده میکرد مورد قبول گروه قرار میگرفت؟ البته که خیر؛ زیرا تنظیم کنندگان موافقت نامه میدانند که بین نشان دادن و تعهد به فعل تفاوت بسیار است.

فکر نکنید که گروه ۱+۵ در استفاده از واژه <ارایه> قصدی نداشته خیر در ردیف ۴ همین فصل یکم، واژه ارایه را درست درجا و معنای نشان دادن بکار برده است.

ارایه دادن مانند لقمه نانی است که کسی به گرسنه ای نشان میدهد بدون آنکه قصد دادن آنرا داشته باشد. تطبیق بفرمائید با ارایه گروه ۱+۵ (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

مذاکرات کشورهای گروه ۱+۵ بین خود

در ردیف چهارم فصل اول آمده است: «گروه ۱+۵ و ایران علاوه بر این درباره پارامترهای کلی راه حلی جامع گفتگو کردند که برنامه هسته ای ایران را در دراز مدت محدود کند،.....»

۵- گروه ۱+۵ و ایران علاوه بر این درباره پارامترهای کلی راه حلی جامع گفتگو کردند که برنامه هسته ای ایران را در دراز مدت محدود کند، تضمین های قابل راستی آزمایی مبنی برماهیت منحصر صلیح آمیز فعالیت هسته ای ایران به جامعه بین المللی ارایه کند و اطمینان حاصل کند که هرگونه تلاشی از جانب ایران برای دنبال کردن سلاح هسته ای بلافاصله تشخیص داده خواهد شد.

مذاکرات بین کشورهای گروه ۱+۵ که معلوم نیست چه بوده چر باید در موافقت نامه ای که یکطرف آن ایران است وارد شود؟ آیا ایران میداند که آن مذاکرات بین کشورهای عضو گروه چه بوده است که آنرا امضا کرده است؟ این امضا بمنزله تائید تمام جهات آن مذاکرات است که چه بسا شامل اقدام نظامی علیه ایران و هرقرار و مداری که بین کشورهای ۱+۵ گذاشته شده باشد میشود.

یکی از کسانی که آن موافقت نامه را امضا کرده وزیر خارجه جمهوری اسلامی است که آثار امضای او بسیار سنگین و در رابطه با مسائل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی اثربخش است.

مگر میشود انسان چیزی را امضا کند که نمیداند چیست، که نمایندگان جمهوری اسلامی (ایران) مذاکرات کشورهای گروه ۱+۵ را که بین خودشان و مسلما محرمانه و سری بوده امضا کرده اند.

مجموعه درک ها (شبهت سیاسی)

در ردیف ششم فصل اول آمده است:

مجموعه درکها علاوه بر این شامل اذعان ایران به این است که باید به همه قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و همینطور مسائل گذشته و حال مربوط به برنامه هسته ای ایران که توسط آژانس بین المللی انرژی مشخص شده است بپردازد..... <

۶- مجموعه درکها علاوه بر این شامل اذعان ایران به این است که باید به همه قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل و همینطور مسائل گذشته و حال مربوط به برنامه هسته ای ایران که توسط آژانس بین المللی اتمی مشخص شده است بپردازد. این شامل حل پرسش های مربوطه به ابعاد نظامی احتمالی در برنامه هسته ای ایران از جمله فعالیت های ایران در پارچین است.

یکی از معانی اذعان اقرار و اعتراف است ولی معنای بکاررفته دیگری هم دارد که آن به معنای اعتقاد و عزم قلب انسان است پس از تردید به موضوع یعنی به مراتب قوی و پربارتر از اقرار و اعتراف میباشد.

اثر اذعان نماینده جمهوری اسلام در این ماده این میشود که هرگونه تردیدی که در قول و فعل آمریکا بوده و بی اعتمادی ها و سلطه گری ها و امثال آنها که سالها جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا پای میفشرد همه با عزم قلب و اعتقاد و درک صحیح از بین رفته است.

یکی از اثرات متوجه و اثر اذعان در این ماده این است که اگر روزی جمهوری اسلامی مدعی شود که اعتماد و حسن نیت در این موافقت نامه وجود نداشته است اذعان نمایندگان نشان میدهد که تا قبل از موافقت نامه

وجود نداشته و در جریان مذاکرات، تردید نسبت به صفا و صداقت آمریکا بکل زائل شده است و بقول آقای ظریف این امر یک معجزه بوده است.

مجموعه درکها چیست و حدش و اصلتش کجاست که ایران اذعان به آن کرده؟ اساسا با چنین اذعان نمایندگان ایران، که مفهوم آن تائید قاطع همراه بارفع تردیدها نسبت به همه خواستههای ۱+۵ است دیگر موافقتنامه چه معنایی پیدا میکند؟

درک، یک فهم و برداشت روانی شخص نسبت به خود است، انسان نمیتواند درک دیگران را تصدیق و امضا کند، انسان نمیتواند درک دیگران را تشخیص دهد مگر نماینده جمهوری اسلامی باشد که به همراه امام زمان در مقابل ۱+۵ در کنفرانس ژنو حاضر شده است.

درک، چیزی است که درمخيله شخص دیگری است، انسان نسبت به درک خودش نسبت به مسائل هم مسلط نیست، و همواره تغییر میابد؛ چطور میتواند درک دیگران آنها کشورهای که درجبهه خصومت با ایران قرار دارند اعتبار اذعانی بدهد آنها نه یک درک بلکه مجموعه درکها؟

بنای تصریح مزبور بر پایه جهل یک طرف موافقت نامه به درکهاست و نمیتوانسته در موافقتنامه جاسازی شود. این یک شیطنت آشکار است که اذعان ایران نسبت به مجموعه درکهای کشورهای ۱+۵ که غیر قابل احصاء و تشخیص است بعلاوه تصمیمات گذشته و آینده آژانس گرفته شده است.

توجه به این نکته بجاست، اشتباه نشود مقصود از اذعان ایران به تبعیت از قطعنامه های شورای امنیت که در ردیف مزبور آمده است محدود به قطعنامه شورای امنیت نسبت به تحریم ها نیست بلکه به کلیه قطعنامه های شورای امنیت در هرباب و هر موضوعی که صادر شده تسری پیدا میکند.

من تاکنون ندیده ام وبی شک هیچکس هم ندیده که درک، آنها مجموعه درک «شخصی» تا چه رسد «کشوری» مورد تائید و یا اذعان شخص تا چه رسد کسی که بنمایندگی از طرف کشوری است قرار گرفته و آنرا امضا کرده باشد.

با کمی دقت در ردیف ۶ که به آن اشاره شده و واژه «همینطور» که فصل تشابه را نشان میدهد ثابت است که مقصود صراحت مزبور کلیه قطعنامه های شورای امنیت در گذشته و آینده است.

این ابهامات و شیطنت های سیاسی هریک بموقع خود مانند پتکی به سر ایران فرو خواهد آمد و اساسا برای همین منظور در موافقت نامه پیاده شده است و گرنه چرا واژه اذعان، نه واژه باور و یا قبول و امثال آنها؟

احتمالا، یک شیطنت سیاسی دیگر

در فصل هشتم موافقتنامه وعده داده شده که «برخی تحریم ها در زمینه طلا و فلزات گرانبها، بخش خودروسازی ایران و صادرات پتروشیمی ایران رابه حالت تعلیق در آورد و احتمالا حدود ۱/۵ میلیارد دلار در اختیار ایران قرار دهد»

این یک شیطنت سیاسی و وعده سرخرمن و برای وجاهت دادن به موافقت نامه است. هیچ معلوم نیست که تعلیق تحریم ها در زمینه طلا و فلزات و بخش خودروسازی و غیره بتواند ۱/۵ میلیارد دلار در آمد برای ایران بوجود آورد.^۸

بنابرا گزارشات خبری تحریم ها همه کارخانجات ماشین سازی و صنایع پتروشیمی را متوقف و ورشکسته کرده است، (کجا دهد این باده ها به مستی ما). اساسا این رقم ۱/۵ میلیارد دلار از کجا و چگونه به حساب آمده است؟ واژه احتمالا نشان میدهد که خود صاحب عله که حساب ۱/۵ میلیارد را ساخته به نادرستی آن یقین دارد.

هرجا که پای رقم و عدد پیش میاید واجد مفهوم رسیدگی است. آیا نمایندگان ایران اساسا فرصت این رسیدگی را داشته اند؟ مسلما خیر.

تعاملات انسان دوستانه

فصل نهم موافقتنامه (تعاملات انسان دوستانه) صحبت از تعاملات انسان دوستانه ۱+۵ و آمریکا به مردم ایران است که آنرا شامل خرید کاغذ - کالاهای کشاورزی - دارو و لوازم پزشکی توسط ایران دانسته است. این بزرگواری!! آمریکا تمایات انسان دوستانه تلقی نمیشود.

عمل انسان دوستانه متوجه وضعی است که بوسیله قوه قهریه و یا شخص ثالثی بوجود آمده باشد و شخص سومی به کمک انسان گرفتار سختی و معیشت میآید.

گرفتاری های مردم ایران از حیث خوراک و دارو و امثالهم بوسیله آمریکا ایجاد شده است نه شخص دیگری بنابراین صیغه انسان دوستی و تمایلات آن نمیتواند شامل آمریکا بشود. مثالش این است.

کسی خانواده ای رابه گروگان میگیرد و بالطبع آنها در مضیقه سخت قرار خواهند گرفت، آیا اگر گروگان گیر، قدری خوراک و دارو به آنها برساند عملش تعاملات انسان دوستانه است؟

از طرفی در کنوانسیون های بین المللی جریان آزاد و بدون مانع کشورها در دسترسی به دارو و خوراک و لوازم پزشکی تاکید شده و حتی در کشورهای گرفتار و شکست خورده، سازمان ملل راسا برای تامین نیازمندیهای اولیه و انسانی دخالت میکند.

^۸ - هزار میلیون یا یک بیلیون در زبان های فرانسه و انگلیسی یا شماره ای که پس از ۹۹۹،۹۹۹،۹۹۹ می آید. این رقم بصورت ۱۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ نمایش داده می شود و یک میلیارد گفته می شود. 1×10^9

از زمان کوچ اجباری محمد پیامبر اسلام تا به امروز ۱۴۰۰ سال می گذرد. اگر هر دقیقه یک دلار در این ۱۴ قرن پس انداز کرده باشیم رقمی که پس از ۱۴۰۰ سال بدست خواهیم آورد به ترتیب زیر خواهد بود:

هر ساعت ۶۰ دقیقه هر روز ۲۴ ساعت، سال ۳۶۵ روز و ۱۴۰۰ سال $۶۰ \times ۲۴ \times ۳۶۵ \times ۱۴۰۰ = ۷۳۵،۸۴۰،۰۰۰$ یعنی ما پس از ۱۴۰۰ سال تنها هفتصد سی و پنج میلیون هشتصد و چهل هزار دلار پول خواهیم داشت که تا یک میلیارد یا یک بیلیون یا هزار میلیون رقم ۲۶۴،۱۶۰،۰۰۰ دلار فاصله خواهیم داشت.. تنها برای نمایش رقم یک میلیارد یاد آوری شد. ح-ک

تحریم های بی حساب و خودسرانه آمریکا چنان به مردم بی پناه و مستاصل ایران فشار و صدمه زده که به استقبال مرگ میروند و نیازی به دارو و درمان نمی بینند.

بی اعتبار ساختن موافقتنامه

موافقتنامه با همه الزامات و تعهدات و تائیداتی که بطور صریح و یا ضمنی از ایران گرفته و به امضای نمایندگان ایران هم رسیده و با همه موقعیت ممتازی که ۵+۱ برای خود از باب عدم ایجاد تعهد و الزام بوجود آورده در ردیف ششم فصل اول موافقت نامه تصریحی آورده که اساسا ۵+۱ را از تبعیت موافقت نامه بری میسازد. عبارت مزبور چنین است:

«بطور خلاصه این گام اولیه تا ۶ ماه اعتبار دارد و وضعیت نهائی قابل پذیرشی برای آمریکا یا شرکای ما در گروه ۵+۱ به حساب نمیآید»

یعنی در پایان ۶ ماه گرچه ایران بتمام تعهدات خود در موافقت نامه عمل کند هیچ تعهدی برای آمریکا و کشورهای گروه به اینکه تحریم ها را بردارند و یا همان مدت ۶ ماه را با همان تحریم ها تمدید کنند نخواهد بود.

این چنین تصریحی که مورد قبول ایران هم قرار گرفته است سبب میشود در حالیکه ایران کاملا خودش را خلع سلاح کرده، آمریکا مبنای تصمیمات خود را بدون اعتنای به موافقتنامه اتخاذ کند.

اینکه ماده مزبور میگوید «توافق به وضعیت نهائی، قابل پذیرش برای آمریکا و شرکایش نخواهد بود»، یعنی برای ایران هیچ

۷- به عنوان بخشی از یک راه حل جامع، ایران علاوه بر این کاملا به وظایفش تحت معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای (ان پی تی NPT) و وظایفش را درقبال آژانس عمل کند. **تازمانی که همه چیز در زمینه یک راه حل جامع مورد توافق قرار نگیرد توافقی صورت نخواهد گرفت** به طور خلاصه این گام اولیه تا شش ماه اعتبار دارد و **وضعیت نهائی قابل پذیرشی برای آمریکا یا شرکای ما در گروه ۵+۱ به حساب نمیآید**

و برای آمریکا و ۵+۱ همه چیز بدون هیچ مانعی.

یکی از معانی معتبر صراحت در ماده مزبور این است که آمریکا و گروه ۵+۱ در پایان ۶ ماه هیچ الزامی در برداشتن تحریم های علیه ایران ندارند و حتی الزامی هم به خود داری از تحریم های جدید ندارند، همه چیز به تصمیمات آمریکا و گروه ۵+۱ وابسته است.

این چنین تصریحی در موافقت نامه برخلاف قصد ایران از امضای موافقت نامه و همچنین مدلول و انگیزه موافقت نامه است زیرا اگر ایران تن به تعهدات موافقتنامه داده باین قصد است که با اثبات اینکه ایران بدنبال تسلیحات نظامی اتمی نیست از تمام تحریم ها یعنی کلیه تحریم هایی که گروه ۵+۱ بعلت توهم بر ایران تحمیل کرده رها شود در حالیکه صراحتی که در موافقتنامه آمده (توافق به وضعیت نهائی قابل پذیرش برای آمریکا و شرکایش نخواهد بود) نقض غرض از موافقتنامه است.

تعهد بی اعتبار ۵+۱

گروه ۵+۱ در فصل هشتم (لغو محدود، موقت، و بازگشت پذیری تحریم ها) تعهد کرده است که ظرف ۶ ماه تحریم های هسته ای جدیدی را اعمال نکند.

چنین تعهدی شمولی بر آمریکا نخواهد داشت زیرا کنگره آمریکا خود مقامی است که جدا میتواند تحریم هائی علیه ایران تصویب کند تنها رئیس جمهوری آمریکا میتواند درخواست کند که کنگره در وضع تحریم های جدید علیه ایران تاخیر نماید.

همین روزها خبرگزاری آسوشیتد پرس، از گردش لایحه تحریم های جدید در کنگره آمریکا خبر داد و اضافه کرد: «برای تاخیر در تصویب لایحه مزبور، آقای باراک اوباما باید همراه به کنگره اطمینان بدهد که ایران بتوافق ژنوفادار و در جریان اجراء است و همچنین به کنگره اطمینان دهد که ایران در هیچ عملیات تروریستی دست نداشته و به تروریستها کمک نمیکند، بدون چنین اطمینانی که باید از رئیس جمهوری آمریکا به کنگره برسد کنگره تحریم های جدیدی علیه ایران وضع خواهد کرد».

همینطور شورای اتحادیه اروپا نیز در وضع تحریم ها استقلال عمل دارد و تبعیت از گروه ۵+۱ را مستلزم نمیشد چنانکه یک هفته بعد از موافقت نامه ژنو ۱۷ شرکت کشتی رانی ایران را تحریم کرد.

اکنون این سوال مطرح است؛ در صورتی که کنگره آمریکا به وضع تحریم های جدید مبادرت کرد همچنان که شورای اتحادیه اروپا عمل کرد، تکلیف ایران چه میشود؟ ایران به اعتبار موافقت نامه مورد بحث، تاسیسات اتمی و کارخانجات وابسته را پیاده کرده مراکز هسته ای را متوقف ویران نموده. علیرغم آنکه تعهدات خود را انجام داده، هم تحریم های سابق به قوت خود باقی مانده و هم تحریم ها اضافی کنگره و شورای اتحادیه اروپا اضافه شده است، در این حالت ایران جز شعار مرگ بر آمریکا چکاری از دستش برمیآید؟

این دقت بجاست که تعهد آمریکا به خودداری از تحریم های اضافی مربوط میشود به تحریم هائی که رئیس جمهوری آمریکا از کنگره درخواست کند، که این موضوع مشمول موافقت نامه ژنو خواهد بود، ولی موافقت نامه ژنو نمیتواند حقی را که قانون اساسی آمریکا برای کنگره قائل شده است ساقط نماید.

همچنین است دولتهای عضو گروه ۵+۱ که تعهد آنان ارتباطی به شخصیت حقوقی شورای اتحادیه اروپا ندارد و اساساً همانطور که قبلاً بشرح رفت اتحادیه اروپا بعنوان کمکی در مذاکرات شرکت داشته نه بعنوان طرف موافقت نامه.

تأیید و ایجاد مشروعت برای تحریم های سر خود آمریکا

یکی از اثرات امضای موافقت نامه با آمریکا بشکل فعلی. اسقاط حق مطالبه خساراتی است که از تحریم های خودسرانه آمریکا (تحریم های بدون مجوز شورای امنیت) به ایران وارد شده است. همانطور که کشوری که برخلاف اجازه شورای امنیت به کشوردیگری تجاوز نظامی کند مسئول پرداخت خسارت کشور زیان دیده است، همانطور هم تحریم های ۵+۱ که بدون اجازه شورای امنیت بوده حق مطالبه خسارت را برای ایران حمایت میکند.

اما تأثیر موافقتنامه مزبور از نظر حقوق بین المللی هم قائم به توجه است

فساد و یارویه حقوقی نامطلوب بین المللی که موافقت نامه مزبور با امضای طرف ایرانی ایجاد کرده این است که تحریم کشورها که از حقوق انحصاری شورای امنیت سازمان ملل متحد است به کشورهای قدرتمند جهان هم منتقل میشود.

زیرا درست است که منشور سازمان ملل اجازه تحریم های خودسرانه یعنی تحریم های بدون مصوبه شورای امنیت سازمان ملل را نمیدهد ولی اگر کشور تحریم کننده و تحریم شونده تحریم های خودسرانه را مورد تائید قرار دادند و براساس آن موافقت نامه ای امضا کردند، نه تنها ایرادی به تحریم های خودسرانه نیست بلکه یک جای پائی میشود برای یک رویه حقوق بین الملل خاصه که سازمان ملل متحد بطور قاطع درمقابل تحریم های خودسرانه تاکنون واکنش جدی نشان نداده است.

ادعای نوظهور آقای عباس عراقچی

قبل از اینکه تجزیه تحلیل حقوقی موافقتنامه ادامه یابد نظریه اینکه روز دهم آذرماه آقای عباس عراقچی معاون وزیر امور خارجه و عضو حقوقدان تیم ایران در کنفرانس ژنو در تلویزیون ایران مطالبی در رابطه با موافقت نامه مورد بحث گفته است لذا جامعیت نسبی این تجزیه تحلیل، توجه به اظهارات ایشان را هم شامل میشود.

ایشان گفته است؛ توافقنامه ژنو یک توافق حقوقی دارای تعهدات الزام آور نیست، بلکه بیشتر شبیه یک بیانیه سیاسی است که در آن اقداماتی را که هر یک داوطلبانه برای یک دوره زمانی مشخص انجام میدهند رافهرست کرده اند.

آقای ظریف هم در همین عبارت آقای عراقچی شریک است ایشان گفته است: «سند مورد قبول طرفین در اجلاس ژنو بمنزله تعهد حقوقی نیست و گام هائی است که هر دو طرف بخواهند داشت مشروط به برداشتن گام ها از سوی طرف مقابل است»

مورد دیگری که در اظهارات آقای عراقچی شنیدنی است: «هر لحظه احساس کنیم که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نمیکند و در اقداماتی که باید انجام دهد کوتاهی میکند و نمیخواهد آنرا انجام دهد بلافاصله روند را متوقف میکنیم»

همچنین ایشان گفته است:

«در ژنو جنگی وجود داشت که جنگ اراده ها بود اگر ۶ کشور بزرگ دنیا و ۵ کشور شورای امنیت یک چیز بخواهند و ما آنرا خلاف حکمان بدانیم ایستادگی میکنیم»

اظهارات آقای عراقچی از سرناعلاجی است. ناعلاجی به این معنا، وقتی کسی مرتکب یک خبط و اشتباهی میشود نوعی تفسیر بر عمل خود میگذارد که تقصیر و گناه خود را ولو موقتا دور کند.

موافقتنامه مورد بحث یک توافق حقوقی ذلیل و با ایراد و نزدیک به امان نامه است نه یک بیانیه سیاسی.

بیانیه سیاسی جمهوری اسلامی نمیتواند خلاف قانون اساسی خاصه اصل ۱۵۲ باشد در همین موافقتنامه ۲۵ بار ایران طرف تعهد قرار گرفته و گروه ۱+۵ فقط در یک مورد به تعهد نشسته و در تطبیق با اصل ۱۵۲، جمهوری اسلامی ۲۵ بار در برابر قدرتهای سلطه گرانورده است.

آقای عراقچی- این را امیگویند موافقتنامه تحمیلی و اسارت آمیز نه بیانیه سیاسی؟؟
خود آقای عراقچی هم به این عدم تعادل سنگین اشاره ای دارد که گفته است: <تسهیلات ارائه شده به ایران در مذاکرات ژنو محدود هستند.>

آیا این ۲۵ مورد تعهد آوری که ایران امضا کرده الزام آور نیست؟ مگر تعهد بدون الزام وجود دارد؟ در همان موافقت نامه، **ضمانت اجرا و الزام آور بودن هر یک از تعهدات ایران دقیقاً تعیین و اعلام شده که حداقل آن، تحریم های اضافی و حد اعلاى آن فشار است که حتی جنگ را هم شامل میشود.**

گزارشی که رئیس جمهور آمریکا در رابطه با موافقتنامه مزبور به کنگره و ملت آمریکا داده است و متن آن در همین تجزیه تحلیل قابل ملاحظه خواهد بود نشان میدهد که آمریکا تا چه حدی پیروزی خود را در تحمیل تعهدات به ایران به نمایش جهانی گذاشته است. و امید و آراست که ایران کاملاً بر اساس موافقت نامه مزبور خلع سلاح اتمی و در انقیاد سیاسی آمریکا قرار گیرد؛ آیا این دست آورد آمریکا به ملاحظه یک بیانیه سیاسی است که واجد هیچ الزام و تعهدی نیست و یایک توافقنامه ای است که تعهدات آن به امضای ایران رسیده است؟

قسمت دیگر اظهارات ایشان رجز خوانی است که گفته: <هر زمان که احساس کنیم >.....<

آقای محترم، آمریکا در موافقتنامه تعهدی ندارد که شما احساس کنید، اگر آمریکا نمیخواهد به آن عمل کند، شما پیشدستی کنید. اولاً بکار بردن لفظ <احساس> در روابط حقوقی و موافقتنامه ها فاقد پایگاه اعتباری است و جای آنرا <ثابت شود> گرفته است.

دیگر اینکه:

۶ کشور بزرگ دنیا همان ۵ کشور عضو اصلی شورای امنیت هستند و تفکیک آنها در بیان شما درست نیست.

آنجا که آقای عراقچی <مذاکرات ژنو رابه جنگ اراده ها تعبیر کرده و نتیجه داده که اگر آنرا خلاف حقان بدانیم ایستادگی میکنیم>، مفهومی این است که اگر مقاومتی از جانب نمایندگان ایران نشده بدلیل آنست که تصمیمی خلاف حق ایران گرفته نشده و با این عبارت، ایشان با اصالت دادن به موافقتنامه منکر هرگونه تجاوز و عدم اعتدال و سوء استفاده از قدرت ۱+۵ شده است.

واما بعد

گروه ۱+۵ (درکلام مختصرو مفید آمریکا) فقط یک تعهد دارد که اگر ایران به تمام ۲۵ مورد تعهدش عمل کرد آمریکا به تحمیل تحریم های جدیدی علیه ایران مبادرت نمیکند، یعنی کیفیت اجرائی موافقتنامه طوری است که اول باید تعهدات ایران جامه عمل توام بارضایت آمریکا پیدا کند و بعد مسئله خودداری آمریکا از تحمیل تحریم های جدید پیش میاید. بنابراین رجز خوانی های آقای عراقچی هیچ موقعیتی برای اجرا به ایران نمیدهد و برعکس موقعیت اجرائی رانصیب آمریکا میسازد.

اظهارات آقای عراقچی و ظریف نشات یافته از اظهارات خامنه ای و پیروان اوست که او مذاکرات ژنو را قهرمانانه (در واقع ذلیلانه و تسلیم مآبانه) نامید و آدم های او هم در (طویلله اسلامی) مجلس گفتند.

کشورهای غربی از روی استیصال به مذاکراه با ایران پرداخته اند و نه از موضع قدرت. آمریکا بمناسبت وقایع سوریه و بحران مالی درمقابل ما کرنش کرده و حق زیاده خواهی ندارد.

(زاکائی درمجلس هنگام طرح گزارش ظریف)

۱۰۰ میلیارد دلار بلا تکلیف

در ردیف اول فصل دهم (در نظر گرفتن لغو محدود تحریم ها) این علامت داده شده که دسترسی به بخش اعظم دارائی های خارجی ایران که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار است به واسطه تحریم ها امکان پذیر نیست و یا محدود است.

از آنجا که در موافقتنامه هیچ فصلی و یا اشاره ای در باب رفع تحریم از دارائی های ایران خاصه مبلغ مزبور نیست لذا بنظر میآید که ۱۰۰ میلیارد دلار ایران همچنان هایجک باقی خواهد ماند.

اهمیت ادامه تسلط آمریکا به ۱۰۰ میلیارد دارائی ایران را میتوان از آنجا دانست که علاوه بر آنکه بشرح معروضه در فصل دهم موافقت نامه آمده برای باردوم نیز در ردیف چهارم اصل یازدهم (ادامه فشار اقتصادی بر ایران و حفظ ساختار تحریم ها) با عبارت زیر آمده است:

بخش اعظم حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از دارائی های خارجی ایران طبق تحریم ها همچنان خارج از دسترس (ایران) یا محدود باقی خواهد ماند.

این تاکید مکرر که ظاهرا هیچ لزومی نداشته بواسطه اهمیت مبلغ است و اینکه خیال ایران را از مبلغ مزبور راحت سازد.

این دقت لازم است که حتی در پایان ۶ ماه و در شرائطی که آژانس اتمی تصدیق کرده باشد که تمام تعهدات ایران مطابق موافقت نامه عمل شده است، هیچ تکلیف و الزامی برای آمریکا در آزاد ساختن مبلغ مزبور در موافقت نامه دیده نمیشود.

آیا این ابهام و بلا تکلیفی متوجه ۱۰۰ میلیارد دلار ثروت ایران چیزی بوده است که نمایندگان ایران متوجه آن نشده باشند؟ تصور نمیکنم.

بنده نمیدانستم و تصور هم نمیکنم این آگاهی همگانی باشد که ۱۰۰ میلیارد دلار از دارایی های ایران در حصر آمریکا قرار دارد بیشتر تصور میشد که این رقم حدود ۷ میلیارد دلار مورد اختلاف بمناسبت گروگان گیری کارمندان سفارت است.

آیا نمایندگان ایران در کنفرانس ژنو حق داشته و میتوانسته اند حق استفاده ملت ایران را از چنین دارایی عظیم سلب و یا آنرا به لطف و رحم آمریکا موکول کنند که آقایان کرده اند؟

آیا تاکنون هیچ اقدامی برای آزاد شدن پول ایران از سوی جمهوری اسلامی شده است؛ البته که خیر، ولی جمهوری اسلامی بی عکس العمل آنرا رها نکرده و در مواقع مقتضی شعار مرگ بر آمریکا را داده است.

ممکن است یک کشوری ادعا کند، همانطور که حق دارد، روابط سیاسی اش را با کشور دیگری قطع کند میتواند رابطه تجاری را هم قطع کند و به آن کشور جنس نفروشد و نخرد ولی اینکه کشوری بتواند سرخود دارایی های کشور دیگری را بلوکه کند بیسابقه است و فقط سابقه آن در جنگ جهانی دوم دیده شده است.

این نکته هم قابل توجه است که ۱+۵ اسقاط حق ایران را نسبت به ۱۰۰ میلیارد دلار نکرده و یا ۱۰۰ میلیارد دلار را بعنوان تضمین تعهدات ایران بلوکه ننموده که با گزارش آژانس مبنی بر انجام تعهدات ایران خود بخود و یا ۱+۵ ملزم به رفع تعرض از آن پول بشود بلکه موافقت نمایندگان ایران را گرفته که هر زمان و بهر دلیلی که ۱+۵ یعنی آمریکا خواست مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار را قطره قطره و یا به ازای تعهدات جدیدی که برای ایران تدارک میبندد پردازد و یا آنقدر هزینه بترشد که آن مبلغ هم فروریزد.

غنی سازی - شکست خط قرمز

یکی از مباحثی که در رابطه با موافقتنامه ژنو مطرح است حق غنی سازی اورانیوم است که جمهوری اسلامی آنرا خط قرمز مذاکرات میدانست و اکنون آمریکا معتقد است که حق غنی سازی اورانیوم برای جمهوری اسلامی در موافقتنامه پیش بینی نشده.

در مواد موافقتنامه در چند جا جمهوری اسلامی به توقف غنی سازی در حد ۳/۵ درصد متعهد شده است، و همچنین متعهد شده که اورانیوم های غنی شده را به حد ۵ درصد تبدیل کند و آنچه که در جریان تولید است متوقف و یا اکسیده نماید.

این مواد در موافقتنامه دلیل آن است که حق غنی سازی اورانیوم از ایران سلب نشده ولی حق مزبور در حد ۵ درصد و ۳/۵ درصد متوقف است.

ادعای آمریکا به اینکه حق غنی سازی در موافقت نامه برای ایران شناخته نشده ناموجه نیست و نمیتوان گفت که آمریکا از مواد موافقتنامه برداشت درست نکرده و نسبت به حقوقی که برای جمهوری اسلامی در غنی سازی اورانیوم در موافقتنامه منظور شده دبه در آورده.

واقعیت این است که چون غنی سازی ۳/۵ درصدی یک حق قانونی شناخته شده است و در موافقتنامه هم به تذکر آمده؛ مورد اعتراض آمریکا نیست. آنچه که مورد اعتراض آمریکاست غنی سازی است که برای ساختن سلاح های هسته ای قابل استفاده است یعنی غنی سازی بالاتر از ۵ درصد. بنابراین ممنوعیت غنی سازی تحمیل شده به ایران غنی سازی با غلظت آزاد است نه غنی سازی ۳/۵ درصد.

اورانیومی که انحصارا به مصرف صنایع پزشکی میرسد در بازار آزاد بفروش میرسد و اگر به جمهوری اسلامی حق غنی سازی آزاد داده نشده، به این معناست که در موافقتنامه، حق غنی سازی آزاد به جمهوری اسلامی داده نشده. چرا که مقصود ایران از حق غنی سازی حق غنی سازی آزاد است یعنی همان حقی که جمهوری اسلامی آنرا خط قرمز مذاکرات با ۱+۵ اعلام کرده بود.

موافقت مورد بحث، کاملا خط قرمز جمهوری اسلامی را در مورد غنی سازی ۲۰ درصدی شکسته است و ادعای جمهوری اسلامی به اینکه حق غنی سازی ما در قرارداد محفوظ است درست است ولی حد غنی سازی ۳/۵ درصدی است که فقط به کارپزشکی میخورد که مسلما خرید آن از بازار برفع خواهد بود تا تولید آن. فراموش نکنیم که حق غنی سازی ۵ درصدی، بارها و بارها در گذشته به ایران پیشنهاد شد ولی ایران قبول نکرد.

تفسیر آقای باراک اوباما از موافقتنامه

آقای باراک اوباما گزارشی در باب موافقتنامه مورد بحث داده است که در واقع بیان کننده دستاوردهای آمریکا و شکست ایران را بیان میکند؛ به مناسبت اهمیت آن عین آن به اینجا آورده میشود.



این گام اولیه به نوبه خود پیشرفت بزرگی است. بدون این توافقنامه مرحله ای، ایران میتواند هزاران سانتریفوژ دیگر را فعال کند. میتواند سانتریفوژهای نسل جدید را که مدت زمان فوران را کوتاه تر میکند، نصب کند. میتواند راکتور آب سنگین اراک را سوختکاری و راه اندازی کند. میتواند ذخائر اورانیوم ۲۰ درصدی خود را از میزان اورانیوم لازم برای ساخت بمب اتم فراتر ببرد. ایران تحت شرایط توافق کنونی، قادر به انجام هیچیک از این موارد نیست.

علاوه بر این، بدون این رویکرد مرحله ای، ائتلاف تحریم های بین المللی تضعیف میشود، زیرا ایران این استدلال را برای جهانیان مطرح میکرد که برای رسیدن به راه حلی دیپلماتیک جدی بوده و مانع از آن صورت نمیتوانستیم شرکای خود را در برابر اعمال حیاتی تحریم ها با خود همراه کنیم.

با این گام اولیه، ما برنامه هسته ای ایران را متوقف کرده و به عقب میرانیم و گزینه ای مشخص را در برابر ایران قرار میدهیم. به تعهداتش عمل کند و با حسن نیت برای رسیدن به توافقی نهایی مذاکره کند وگرنه کل جامعه، با انزوا و فشار بیشتر ایران واکنش نشان خواهد داد.

تفسیر گزارش مآبانه آقای باراک اوباما دو مخاطب دارد.

اول ملت آمریکاست که به این توجه میرسد اگر جمهوری اسلامی کارمندان سفارت را گروگان گرفت و سالها پرچم کشور را به آتش کشید و مرگ بر آمریکا گفت و ملت آمریکا تحمل کرد، با این موافقتنامه، آمریکا گردنکشی های جمهوری اسلامی را خرد کرد و بعلاوه ۱۰۰ میلیارد دلار از ثروت مردم ایران را قبضه کرد. آقای کارتر در پاسخ استیضاح به کوتاهی آمریکا در امر گروگانگیری کارمندان سفارت گفت: < آمریکا ۷ میلیارد از پول ایرانیان را مصادره کرد > اکنون دولت اوباما با مصادره ۱۰۰ میلیارد دلار به گردنکشی های جمهوری اسلامی پاسخ گفت.

مخاطب دیگر اسرائیل است

اسرائیل اصرار داشت؛ باحمله هوایی تاسیسات اتمی ایران را منهدم کند. ما با موافقت نامه ای که به امضای نمایندگان جمهوری اسلامی رساندیم و آنها متعهد به انجام آن هستند، همان کاری را که اسرائیل میخواست انجام دهد که با تحمل هزینه تلفات احتمالی و هیجان جهانی مواجه میشد بدست خود ایران انجام خواهد شد.